

پانیوم - شماره هفده

آن چیز و رؤیا: دو خط نبوتِ دانیال و گشوده‌شدنِ مکاشفه

Jeff Pippenger

2026-02-22

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ نخستین نوبتِ جنبشِ یکصد و چهل و چهار هزار فرا رسید. این رخداد در درون «تاریخ پنهان» آیه ۴۱ دانیال یازده واقع شد. این نوبت در میانه‌های همان «تاریخ پنهان» رخ داد—تاریخی که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ آغاز شد. آیه ۴۱ و یکم نمایانگر قانونِ یکشنبه در ایالات متحده است، که همچنین در آیه شانزدهم همان فصل نیز بازنمایی شده است. «گشوده شدن مهر» حقایقی که «تاریخ پنهان» آیه ۴۱ را در سال ۲۰۲۳ تشکیل می‌دهند، از سوی دانیال در فصل دوازدهم عرضه شده است. فصل‌های ده تا دوازده یک رؤیای واحد هستند، و آن رؤیا با این شناسایی آغاز می‌شود که دانیال نماینده «حکیمان» است؛ کسانی که هر دو پیام درونی و بیرونی نبوت را درمی‌یابند، که در آنجا به ترتیب با عنوان «آن امر» و «رؤیا» بازنموده شده‌اند.

در سال سوم کورش، پادشاه فارس، امری بر دانیال، که او را بلطشصر می‌نامیدند، مکشوف گردید؛ و آن امر راست بود، اما زمان مقرر دراز؛ و او آن امر را دریافت و رؤیا را فهم کرد. دانیال ۱:۱۰.

دو رؤیا

«چیز» و «رؤیا» نمایانگر رؤیت‌های درونی و بیرونی نبوت‌اند، و دانیال نماینده قومی است که هر دو را درک می‌کنند، زیرا هم «چیز» و هم «رؤیا» در فصل دهم بر دانیال «مکشوف» گردید. در این فصل، در روز بیست‌ودوم، رؤیای مسیح در قدس بر دانیال «مکشوف» شد. واژه عبری‌ای که به «چیز» ترجمه شده است، در فصل نهم به «امر» ترجمه شده، و در آنجا نیز در پیوند با «رؤیا» ارائه گردیده است.

در آغاز تضرعات تو، فرمان صادر شد، و من آمده‌ام تا آن را به تو بنمایانم؛ زیرا تو بسیار محبوب هستی. پس این امر را دریاب و رؤیا را ملاحظه کن. دانیال ۹:۲۳

لفظ «thing» در باب دهم همان واژه‌ای است که در آیه بیست‌وسوم باب نهم به «matter» ترجمه شده است. در رؤیای نهایی دانیال در باب‌های دهم تا دوازدهم، «thing» در باب یازدهم یا «matter» در باب دهم، هر دو با «vision» vision مرتبط‌اند. «Vision» همان واژه عبری «mareh» است و به معنای «appearance» می‌باشد. دانیال در کتاب خود دو «vision» را مشخص می‌سازد، هرچند یکی از آن دو «vision» یک بار در صیغه مؤنث و سپس بار دیگر در صیغه مذکر بیان شده است. دانیال در آیه نخستِ باب دهم کسانی را که «vision» مربوط به appearance، و نیز «matter» یا «thing» را درک می‌کنند، معرفی می‌نماید. در باب هشتم، دانیال دو «vision» را که با یکدیگر مرتبط‌اند مشخص می‌سازد. در ترجمه انگلیسی، واژه vision هشت بار در آن باب آمده است، و یکی از واژه‌های عبری که به «vision» ترجمه شده «mareh» است، و دیگری «chazon». واژه mareh به معنای «appearance» است، و chazon به معنای «oracle» dream, a revelation or an oracle سیاق باب هشتم روشن می‌سازد که هرگاه واژه «mareh» به «vision» ترجمه می‌شود، نمایانگر «of Christ» است.

به‌عنوان نمونه، «مرئه» یا «رؤیای ظهور» در دانیال ۸:۱۴ است؛ بدین معنا که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، مسیح به‌طور ناگهانی در هیکل ظاهر شد، در تحقق «رسول عهد» در ملاکی باب سه؛ که خواهر وایت گفت

این امر در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به انجام رسید. هنگامی که خواهر وایت آن فرشتهٔ مکاشفهٔ ده را که فرود آمد و یک پا بر خشکی و یک پا بر دریا نهاد، «شخصی نه کمتر از عیسی مسیح» معرفی می‌کند، او نشانه‌ای راهنما در نبوت را مشخص می‌سازد که در آن مسیح ظاهر می‌شود. این یکی از ظهورات بسیار اوست. بنا بر رسالهٔ یهودا، او در رستاخیز موسی ظاهر شد. در آنجا او به صورت میکائیل رئیس فرشتگان ظاهر شد، اما با این همه، آن نیز ظهوری نبوی بود. رؤیای مرئه در باب هشت نیز به «ظهور» ترجمه می‌شود، که با معنای آن موافق است.

و چون من، یعنی من دانیال، آن رؤیا را دیدم و در پی دریافت معنای آن بودم، اینک کسی با هیئتِ مردی در برابر من ایستاد. دانیال ۸:۱۵.

سیاق در اینجا نشان می‌دهد که این فرشتهٔ جبرائیل بود که «هیئتِ انسانی» داشت، و واژهٔ «هیئت» همان mar'eh، یعنی ظاهر رؤیای مسیح است؛ زیرا همان‌گونه که مسیح به وسیلهٔ میکائیل رئیس فرشتگان، و نیز به وسیلهٔ فرشتهٔ نیرومند مکاشفهٔ ده بازنموده می‌شود، مسیح در معنانشناسی نبوی با نمادپردازی فرشتگان، و حتی انسان‌ها، قابلِ جانمایی است. خواه جبرائیل در آن آیه باشد، یا مسیح در مکاشفهٔ ده، یا به صورتِ میکائیل رئیس فرشتگان، هر یک از ایشان پیامی را نمایندگی می‌کنند؛ و به همین سبب، خواهر وایت فرشتگان مکاشفه را هم با پیامی که نمایندگی می‌کنند و هم با مردمی که پیام نمایانده‌شده به وسیلهٔ آن فرشتگان را اعلام می‌دارند، مقایسه می‌کند. این حقیقت چنان اهمیت دارد که در همان سه آیه نخستِ باب اول مکاشفه—آن سه آیه‌ای که گشوده‌شدن مکاشفهٔ عیسی مسیح را اعلام می‌کنند، درست پیش از بسته‌شدنِ زمانِ آزمون، زیرا «وقت نزدیک است»—فرآیندِ ارتباطِ خدا با انسان به‌طور مشخص چنین معرفی می‌شود: پیامی از پدر که به پسر داده شد، و او سپس آن پیام را به فرشته‌ای می‌دهد، و آن فرشته آنگاه آن را نزد انسانی می‌برد، و او نیز به‌نوبه خود آن را به کلیساها می‌فرستد. هر گام از این فرآیندِ ارتباط، مقدس و قدوس است، و آن قداستِ تقدیس‌شده در نشانه‌های راه نبوی بازنموده می‌شود، در جاهایی که مسیح یا به‌صورتِ خود او، یا از طریق فرشته، انسان، یا پیام ظاهر می‌گردد. هرگاه او در یک نشانهٔ راه مستقیماً خویشتن را مرتبط می‌سازد، آن رؤیای «mareh» یعنی «رؤیای هیئت» است.

مکاشفهٔ یسوع مسیح، جو خدا نے اُسے اس لیے عطا کیا کہ اپنے بندوں کو وہ باتیں دکھائے جو عنقریب واقع ہونے والی ہیں؛ اور اُس نے اپنے فرشتہ کے وسیلہ سے اُسے اپنے بندہ یوحنا پر ظاہر کیا: جس نے خدا کے کلام کی، اور یسوع مسیح کی گواہی کی، اور اُن سب باتوں کی جو اُس نے دیکھیں، شہادت دی. مبارک ہے وہ جو پڑھتا ہے، اور وہ جو اِس نبوت کی باتیں سنتے ہیں، اور اُن باتوں پر عمل کرتے ہیں جو اِس میں لکھی ہیں، کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ ... اور اُس نے مجھ سے کہا، اِس کتاب کی نبوت کی باتوں پر مہر نہ لگا، کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ جو ناراست ہے، وہ ناراستی ہی کرتا ہے؛ اور جو ناپاک ہے، وہ ناپاک ہی ہوتا ہے؛ اور جو راست باز ہے، وہ راست بازی ہی کرتا ہے؛ اور جو مقدس ہے، وہ تقدیس ہی میں قائم ہے۔ مکاشفہ ۱:۱-۳؛ ۱۰:۲۲؛ ۱۱.

در باب هشتم، «خازون» واژهٔ دیگر عبری است که به «رؤیا» ترجمه شده است. در ارتباط با «ظهور»، رؤیای «مره/ماره» نشانه‌ای راهنما را مشخص می‌کند، و رؤیای «خازون» دوره‌ای نبوی را تعیین می‌نماید. در دو واژه‌ای که در باب هشتم به «رؤیا» ترجمه شده‌اند، نوعی تقارن الهی وجود دارد، از این حیث که واژهٔ عبری «مره» نیز از سوی دانیال در صورت مؤنث آن، یعنی «ماره»، به کار گرفته شده است. دانیال در مورد «خازون» نیز آن را به دو شیوه بازمی‌نمایاند، اما نه از طریق تقابل مذکر و مؤنث، بلکه با دو واژه که همان معنا را می‌رسانند، با این حال در این کار، آن معنا را به‌گونه‌ای تصاعدی بسط می‌دهند.

מַתָּן به معنای رؤیا، یا مکاشفه، یا نبوت است؛ و واژه‌ای که در انگلیسی گاه به «matter» یا «thing» ترجمه شده، واژهٔ عبری «dabar» است که به معنای «کلام» می‌باشد. هنگامی که فهمیده شود رؤیای

«chazon» نیز در دانیال با واژه «dabar» بازنمایی شده است، آنگاه این دو در کنار هم پیام‌های نبوی کلام خدا را نمایندگی می‌کنند. دانیال همواره «dabar» یا «chazon» را با «mareh» در تقابل قرار می‌دهد. هنگامی که در سطح نبوی در نظر گرفته شود، «پیام‌های نبوی کلام خدا»، آن‌گونه که به وسیله «dabar» و «chazon» بازنمایی می‌شوند، چون با رؤیای «marah» از ظهور مسیح در کنار هم قرار گیرند، آنگاه نشانه‌های مقدس تاریخ نبوی کلام خدا را در اختیار دارید. سپس اگر «marah»، یعنی صورت مؤنث واژه «mareh»، را نیز به رشته معانی رؤیا در دانیال بیفزایید، آنگاه رؤیای آینده‌گون عدالت به وسیله ایمان را خواهید داشت.

در آخرین رؤیای دانیال، که در سه باب پایانی کتاب او بازنمایی شده است، دانیال نمایانگر قومی در ایام آخر است که «رؤیاهای نبوی» «کلام خدا» را، و نیز قداست نشانه‌های مقدسی را که جنبش اصلاحی یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر را تشکیل می‌دهند، درک می‌کنند؛ زیرا ایشان همان کسانی‌اند که هر جا بره می‌رود، در کلام مقدس و نبوی او، از او پیروی می‌کنند. و چون از بره پیروی می‌کنند، او ایشان را به رؤیای آینده‌گون دانیال ۱۰:۷ رهبری می‌کند، جایی که یا می‌گریزند تا زیر خطا پنهان شوند، و در آنجا برای ابد مدفون می‌گردند، یا در غبار فروتن می‌شوند، عادل شمرده می‌شوند، و قدرت می‌یابند تا پیام نبوی ایام آخر را اعلام کنند.

جبرائیل دانیال را فرمان می‌دهد که هم «کلام» و هم «رؤیا» را «تمییز دهد». واژه عبری‌ای که به «تمییز دادن» ترجمه شده، به معنای «قائل شدن تمایز ذهنی» است. دانیال، که نماینده من و شما، خواننده عزیز، می‌باشد، مأمور شد که تفاوت و تمایز میان «کلام» و «رؤیا» را دریابد. رؤیای «حازون» نمایانگر خط بیرونی تاریخ نبوی است، و رؤیای «مرئه» نمودار ظهور مسیح است. «کلام» و «چیز» همان واژه عبری «دابار» است که به معنای «کلمه» می‌باشد. عیسی همان «دابار» است، زیرا او «کلمه» است. «چیز» و «کلام»، که هر دو همان «دابار» هستند، در پیوند با رؤیای ظهور ارائه شده‌اند.

دبار، که همان امر و چیز است، همچنین رؤیای خازون باب هشتم است و رؤیای تاریخ نبوی را نمایندگی می‌کند. هر یک از آن بازنمایی‌ها (خازون، دبار، امر و چیز) خط خارجی نبوت را مشخص می‌سازند، و ماره، و صورت مؤنث آن، ماراه، خط داخلی نبوت را نمایندگی می‌کنند. قوم خدا در ایام آخر، که در آیه یک دانیال ده نمایانده شده‌اند، هم خط داخلی و هم خط خارجی تاریخ نبوی را درک می‌کنند. در کتاب مکاشفه، خط داخلی با هفت کلیسا نمایانده شده است و خط خارجی با هفت مهر.

marehতিনিতিখন, দখেলনে দৰ্শন খ্ৰষ্টিতरे पर उपवासरे दनिरे एकूश दानयिले यখন दानयिले यখন आर "appearance"; अर्थ mareh ।दखेछेलिने प्रकाश स्त्रीलङ्गीय दर्शनरे appearance,अर्थ शब्दरे mareh यदति ।दखेछेलिने दर्शन "marah" तनि, दखेलने ख्रिष्टिके जानान आमादरे होयाईट ससि्टार "a looking glass." अर्थ रूपरे स्त्रीलङ्गीय शब्दरे एकई योहन आर; दखेछेलिने योहन या दर्शन सहे सटेहि, दखेछेलिने दर्शन ये दानयिले ये छलिने धर्मधामे स्वरगीय ख्रिष्ट यখন दखेछेलिने दर्शन सहे

«در زمان دیدار جبرائیل، نبی دانیال قادر به دریافت تعلیمات بیشتری نبود؛ اما چند سال بعد، چون مشتاق بود درباره موضوعاتی که هنوز به طور کامل توضیح داده نشده بودند، بیشتر بداند، بار دیگر خود را وقف طلب نور و حکمت از خدا کرد. «در آن ایام، من دانیال، سه هفته کامل ماتم گرفتم. نان لذیذ نخوردم، و گوشت و شراب به دهانم داخل نشد، و خویشتن را نیز اصلاً تدهین نمودم.... آنگاه چشمان خود را بلند کرده، نگریستم، و اینک مردی دیدم ملبس به کتان، که کمرش به طلای خالص اوفاز بسته شده بود. بدنش نیز مانند زبرجد بود، و چهره‌اش همچون منظر برق، و چشمانش چون مشعل‌های آتش، و بازوان و پاهایش مانند برنج صیقلی در رنگ، و آواز سخنانش مانند آواز جماعتی عظیم.»

»نه کسی کمتر از پسر خدا پر دانیال ظاهر شد. این توصیف مشابه توصیفی است که یوحنا هنگامی که مسیح در جزیره پطمس بر او آشکار شد، ارائه کرده است. اکنون خداوند ما با فرشته‌ای آسمانی دیگر می‌آید تا به دانیال آنچه را که در ایام آخر واقع می‌شد، تعلیم دهد. این معرفت به دانیال داده شد و به الهام برای ما، که انتهای عالم بر ما رسیده است، به ثبت رسید.»

»حقایق عظیمی که به واسطه فدیة دهنده جهان آشکار شده‌اند، برای کسانی است که حقیقت را همچون گنج‌های نهفته جست‌وجو می‌کنند. دانیال مردی سالخورده بود. زندگی او در میان افسون‌های دریا، امت‌پرستان سپری شده بود، و ذهنش با امور یک امپراتوری بزرگ مشغول بود؛ با این همه، از همه این‌ها روی برمی‌گرداند تا جان خویش را در حضور خدا ذلیل سازد و معرفت مقاصد حضرت اعلی را بطلید. و در پاسخ به تضرعات او، نوری از دربارهای آسمانی برای کسانی منتقل شد که در ایام آخر زیست خواهند کرد. پس، با چه جدیتی باید خدا را بطلبیم تا فهم ما را بگشاید و ما را قادر سازد حقایقی را که از آسمان به ما آورده شده‌اند، درک کنیم.» Review and Herald، فوریه 1881.

۱۴۴,۰۰۰ نفر

دانیال «امر» و «رؤیا» را درمی‌یابد و هم به نام دانیال شناخته می‌شود و هم به نام بلطشصر. تغییر نام در نبوت، نمایانگر رابطه‌ای عهدی است؛ از این رو، دانیال نماینده قوم نهایی عهد است، یعنی آن یکصد و چهل و چهار هزار نفری که به وسیله رؤیای مسیح در هیکل آزموده می‌شوند. آن آزمون موجب جدایی دو دسته از عبادت‌کنندگان می‌گردد.

اور میں، دانی ایل، اکیلا ہی اُس رؤیا کو دیکھ سکا؛ کیونکہ جو آدمی میرے ساتھ تھے انہوں نے اُس رؤیا کو نہ دیکھا؛ لیکن اُن پر سخت لرزہ طاری ہوا، یہاں تک کہ وہ بھاگ کر اپنے آپ کو چھپانے لگے۔ دانی ایل 10:7۔

دانیال به طور مستقیم در حال شناسایی آزمون دوم و آزمون هیکل مرتبط با قوم خدا در ایام آخر است؛ آزمونی که بر دیدن مسیح در قدس آسمانی مبتنی است. رؤیای آیه هفت مؤنث رؤیای «ماره» است که به صورت رؤیای «ماراه» بازنمایی شده است. اگر به رؤیای هیکل مسیح همان گونه پاسخ دهید که پاسخ دانیال آن را نمایان می‌سازد، «امر» نبوتی و «رؤیا» نبوتی بر شما «مکشف» خواهد شد.

اگر شما با همان رؤیای هیکل مسیح از راه گریختن برای پنهان شدن ارتباط برقرار کنید، به ظلمت ابدی داخل می‌شوید. آزمون هیکل، که دومین آزمون از سه گام انجیل جاودانی است، مسبوق به نخستین و بنیادی‌ترین آزمون است. پرسش آزمایشی بنیادها در آیه چهاردهم دانیال یازده نمود یافته است، جایی که روم به عنوان «غارتگران قوم تو» معرفی می‌شود که «رؤیا» را برقرار می‌سازد.

وقت نزدیک است

سه روز و نیم پس از ناکامی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ مکاشفه عیسی مسیح آغاز به گشوده شدن کرد، زیرا «وقت نزدیک بود.»

مبارک ہے وہ جو پڑھتا ہے، اور وہ جو اس نبوت کے کلام کو سنتے ہیں، اور ان باتوں پر عمل کرتے ہیں جو اس میں لکھی ہوئی ہیں، کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ ... اور اُس نے مجھ سے کہا، اس کتاب کی نبوت کے کلام پر مہر نہ لگا، کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ مکاشفہ 1:3؛ 22:10۔

”زمان“ی که گشوده شدن مکاشفه عیسی مسیح را مشخص می‌کند، در آغاز کتاب مکاشفه مورد اشاره قرار گرفته است، و در پایان کتاب همان اعلان یکسان، با بیانی پایانی، بر گزاره آغازین افزوده

می‌شود.

مکاشفہ عیسیٰ مسیح اندکی پیش از پایان زمان آزمایش گشوده می‌شود. در روز بیست و دوم، پس از روزہ ای بیست و یک روزہ، آن «چیز» کہ همان «امر» نیز هست، کہ همان دابار یا کلمہ نیز هست، کہ همان رؤیای حزون تاریخ ظاہری نبوی نیز هست، بر دانیال آشکار گردید، آنگاہ کہ او رؤیای آینہ گون ماراہ را از کاهن اعظم آسمانی در قدس الاقداس تجربہ می‌کرد.

دانیال نمایندہ کسانی است کہ تجربہ رؤیای آینہ نگران را دارند، و نیز ظہورات نبوی مسیح را، ہمراہ با تاریخ ظاہری ای کہ بہ وسیلہ رؤیای chazon نشان دادہ شدہ است، درک می‌کنند. رؤیای marah، مسیح را بہ عنوان نشانہ راہ نبوی بہ تصویر می‌کشد، و صورت مؤنث همان واژہ، تجربہ حاصل از نظارہ جلال خدا را باز می‌نمایاند؛ همان گونہ کہ در دانیال، یوحنا، اشعیا، خواہر وایت و دیگر انبیا نمایان شدہ است.

در این سطح، رؤیای بیرونی چازون نمایانگر آزمون بنیادین است، و رؤیای مَرہ از ظہورات مسیح در توالی نبوی رویدادہا، آزمون معبد است. آیا مسیح در قدس الاقداس شما ظاہر شدہ است؟ آنجاست کہ الوہیت بہ انسانیت پیوند می‌یابد. این همان آزمونی است کہ باید پیش از بستہ شدن مہلت آزمایش در آزمون نہایی گذرانندہ شود. آن آزمون نہایی کہ شخصیت را آشکار می‌سازد، رؤیای آینہ سان ماراہ است.

در 31 دسمبر 2023، آزمون بیرونی بنیاد بر سر «غارتگران قوم تو» در آیہ چہار دہم آغاز شد، و ہنگامی کہ پاپ کنونی در 8 مہ 2025 بہ منصب خود گماشتہ شد، «رؤیا»ی آیہ چہار دہم برقرار گردید. آزمون بنیادی بہ آزمون معبد منتقل شد. از 9 مہ 2025، آزمون معبد در جریان بودہ است. قیام دو شاہد در 31 دسمبر 2023 در آیہ یازدہم مکاشفہ یازدہم بازنمایی شدہ بود، و قیامی کہ در آن تاریخ آغاز شد در درون دورہ جنگ اوکراین رخ داد؛ جنگی کہ در 2014 آغاز شد و در 2022 تشدید گردید. خطوط بیرونی و درونی نبوت در آن تاریخ بہ یکدیگر پیوستند. در 31 دسمبر 2023، کار نہادین بنیاد در جریان بود، کاری کہ بہ وسیلہ تاریخ 1798 تا 1840، و نیز 1840 تا 1844، و نیز 19 اپریل 1844 تا 22 اکتبر 1844 نمونہ سازی شدہ بود.

دانیال یازدہ آیہ یازدہ، در تاریخ بہ عنوان خط خارجی نبوت وارد شد و با همان تاریخی مرتبط گردید کہ خط داخلی مکاشفہ یازدہ است. در سال ۲۰۱۴، جنگ اوکراین آغاز شد، چنان کہ بہ وسیلہ نبرد رافیا در ۲۱۷ پیش از میلاد نمونہ سازی شدہ بود. در سال ۲۰۱۵، چہارمین و بسیار دولتمندتر از ہمہ، یعنی پادشاہ آیہ دوم دانیال یازدہ، برخاست و قصد خود را برای نامزد شدن بہ منصب ریاست جمہوری اعلام کرد. آن اعلام، جہانی گرایان اژدہ اندیش را کہ بہ صورت قلمرو یونان نمایاندہ شدہ اند، بہ خشم آورد.

مکاشفہ گیارہویں باب کی گیارہویں آیت نے 31 دسمبر 2023 کو اُس مقام کے طور پر متعین کیا جہاں دو گواہ زندہ کیے گئے۔ چنانچہ 18 جولائی 2020 سے 31 دسمبر 2023 تک کے عرصہ کو ایک نبوی "بیابان" سمجھا گیا۔ "بیابان کے دور" کے اختتام پر جولائی 2023 میں ایک آواز پکارنے لگی، اور پھر نیش ول کی ناکام پیش گوئی، 18 جولائی 2020، کے ٹھیک ایک ہزار دو سو ساٹھ دن بعد، یہوداہ کے قبیلہ کا شیر اپنے نبوی کلام کی مہرین کھولنے لگا۔ خدا کے نبوی کلام کی مہر کشائی ہمیشہ دانی ایل بارہ میں مذکور ایک سہ مرحلہ آزمائشی عمل کو جنم دیتی ہے۔

بسیاری طاہر خواہند شد و سفید گردانیدہ خواہند شد و آزمودہ خواہند شد؛ اما شیران شرارت خواہند ورزید؛ و ہیچیک از شیران نخواہند فہمید؛ لیکن حکیمان خواہند فہمید۔ دانیال ۱۰:۱۲.

در مکاشفه نوزدهم، عروس خود را آماده می‌سازد و سپس جامه‌ای سفید به او عطا می‌شود. آن جامه‌های سفید نشان می‌دهند که عروس آماده است، و این در مکاشفه نوزدهم، هنگامی که پنجره‌های آسمان گشوده می‌شوند، به وقوع می‌پیوندد. پیش از آنکه عروس با جامه عدالت مسیح سفید گردانیده شود، نخست تطهیر می‌شود.

در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، آزمون بنیان‌ها آغاز شد تا آنان را که پاک خواهند بود، تطهیر کند. این تطهیر از راه افزونی معرفت به انجام می‌رسد، زیرا شیر سبط یهودا در آن هنگام آغاز کرد که مکاشفه نهایی خویش را از مهر بگشاید. آن مکاشفه شامل این حقیقت نیز هست که او یگانه بنیانی است که می‌توان نهاد. رد کردن حقیقت بنیادی‌ای که معین می‌سازد روم «غارتگران قوم تو» است، به منزله رد کردن تنها بنیانی است که می‌توان نهاد.

در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، فرایندی از آزمون آغاز شد که بی‌درنگ جدایی دو طبقه را پدید آورد. اینک شیر سبط یهودا آشکار کرده است که تحقق تاریخی آیه چهاردهم، در ۸ مه ۲۰۲۵ بوده است، و بدین‌سان تأیید نمود که شناسایی روم از سوی میلر، به‌عنوان نمادی که رؤیای خارجی نبوت را برقرار می‌سازد، درست بوده است. هنگامی که ترامپ در ۲۰۲۴ بازگشت، آیه سیزدهم دانیال یازده را تحقق بخشید؛ سپس در آیه بعد، با انتخاب پاپ لئوی، سال ۲۰۲۵ را مشخص می‌کنیم. هم ترامپ و هم همتای ضد مسیح او در ۲۰۲۵ به منصب خود گمارده شدند.

Las fechas que identificamos en este movimiento son, en esencia, retrospectiva santificada. Identificamos el tiempo del fin como 1989; luego, la formalización del mensaje tuvo lugar en 1996. En el 11-S, el mensaje formalizado fue revestido de poder. En la presentación de las Tablas de Habacuc en 2012, y culminando en enero de 2013, fueron echados los fundamentos

.El 18 de julio de 2020 llegó el primer chasco; luego, en julio de 2023, una voz comenzó a clamar en el desierto; y el 31 de diciembre de 2023 comenzó el desellamiento de la Revelación de Jesucristo y dio inicio la primera prueba fundacional externa

در ۸ مه ۲۰۲۵، دومین آزمون درونی هیکل آغاز شد. سومین آزمون سرنوشت‌ساز درست در پیش است. در آنجا آشکار خواهد شد که آیا جان، روغن پیام را که به وسیله نخستین آزمون بیرونی نمایان شد، و نیز روغن همراه دومین آزمون درونی را دارد یا نه. این آزمون‌ها به ترتیب نمایانگر امر بیرونی، سپس امر درونی، و سپس تجربه هستند.

خط داخلی نبوت از نشانه‌های پیشین تشکیل شده است که همین اکنون به آن‌ها استناد کردم. هر یک از آن نشانه‌ها با نشانه‌های همانند تاریخ میلریتی همسو هستند. 1798 به عنوان زمان آخر، متناظر با 1989 است که آن نیز زمان آخر می‌باشد. در آنجا شیر سبط یهودا کلام خود را مهرگشایی کرد، زیرا او خود کلام است. هنگامی که آدونتیسم، با بازگشتن برای خوردن غذا با نبی دروغین بیت‌ئیل، در شورش بنیادین یربعام نقش نبی نافرمان را به انجام رسانید، به همان استدلال‌های پروتستانیسم سقوط کرده بازگشتند که علیه شناسایی «هفت زمان» از سوی ویلیام میلر به کار گرفته شده بود. از این‌رو، آنان به‌طور کامل، اگر اصلاً، درک نمی‌کنند که چرا 1863 آخرین نشانه برای جنبش آلفای فرشته اول و دوم است.

به همین سبب، برای ایشان هیچ اهمیتی ندارد که این مدت ۱۲۶ سال است؛ نمادی از ۱،۲۶۰، و نمادی از «بیابانی» که سراسر تاریخ را از ۱۸۶۳ تا زمان پایان در ۱۹۸۹ در بر می‌گیرد. در پایان چهل سال، یوشع آن جنبش را به سرزمین موعود رهبری کرد. در سال ۱۹۸۹، خداوند کار هدایت جنبش اومگای خویش را

از «بیابان» ۱۸۶۳ تا ۱۹۸۹ آغاز کرد، همان گونه کہ جنبش آلفا را از «بیابان» ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ بیرون آورده بود.

در سال ۱۹۸۹، رؤیای نہر حدّ اقل، کہ نمایانگر سه باب پایانی دانیال است، گشوده شد؛ همان گونه کہ رؤیای نہر اولای، کہ نمایانگر ابواب ۷، ۸ و ۹ دانیال بود، در سال ۱۷۹۸ گشوده شد. دویست و بیست سال پس از انتشار کتاب مقدس نسخہ کینگ جیمز، ویلیام میلر برای نخستین بار پیام خود را بر پایہ رؤیای اولای منتشر کرد و بدین سان پیام خود را در سال ۱۸۳۱ رسمیت بخشید؛ چنان کہ پیام حدّ اقل نیز برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ منتشر شد، یعنی دویست و بیست سال پس از ۱۷۷۶، زادگاہ سرزمین جلال ایالات متحدہ.

صورت بندی رسمی پیام بہ وسیلہ میلر، دویست و بیست سال پس از ترجمہ کینگ جیمز، ویلیام میلر را بہ عنوان نخستین پیام آور مقدسی معرفی می کند کہ برای پدید آوردن احیا و اصلاح، از نبوت های کتاب مقدس، ہم در عہد عتیق و ہم در عہد جدید، بهره گرفت. کتاب مقدس الہی است، و دویست و بیست سال بعد با عنصر انسانی پیوند یافت تا پیام اولای را پدید آورد.

عیسی الفا و امگا است، و او کلام خداست؛ بنابراین، انتشار نسخہ کینگ جیمز کتاب مقدس در سال ۱۶۱۱، عیسی را ہم در ۱۶۱۱ و نیز در ۱۸۳۱ قرار می دہد. مسیح در زمان آخر بہ صورت شیر سبط یہودا ظاہر می شود؛ آنگاہ کہ پیام صورت بندی رسمی می یابد، او الفا و امگا و کلام است. نسبت میلر با آغاز، این حقیقت را آشکار می سازد کہ ہم آغاز و ہم انجام، بر انتشار پیام تأکید دارند. ۱۷۷۶ تا ۱۹۹۶، ہر چند متفاوت، همان ویژگی ها را داراست.

پیام حدّ اقل، پیام قانون یک شنبہ در ایالات متحدہ است، چنان کہ در آیہ چہل و یکم دانیال یازدہ بیان شدہ است. سال ۱۷۷۶ و انتشار اعلامیہ استقلال، نقطہ آغاز دورہ دویست و بیست سالہ ای را نمایندگی می کند کہ با انتشار کتاب Time of the End - کہ بہ گونه ای مشیت آمیز، نہ از روی قصد، این گونه عنوان گذاری شدہ بود - بہ پایان رسید. در همان سال، ۱۹۹۶، یک مؤسسہ خدمتی با نام Future for America بہ ما عطا شد. پیام سرزمین جلال، یعنی ایالات متحدہ، با پیوندی مستقیم میان آغاز و پایان نبوت، صورت بندی شد. ہر نشانہ اصلی تاریخ میلریتی، تحت الگوی راہبر مثل دہ باکرہ، تکرار شدہ است. ہر دو دورہ دویست و بیست سالہ، آغاز و پایانی دارند کہ با یک نشریہ مشخص شدہ است.

پیام و روش شناسی میلر با تحقیقی از اسلام وای دوم تأیید و تقویت شد. آنچه خداوند برای تقویت پیام بہ کار برد، اصل «یک روز بہ عوض یک سال» میلر بود؛ و اصلی کہ در ۱۱ سپتامبر پیام و روش شناسی را قدرت بخشید، ہنگامی کہ نزول فرشتہ مکاشفہ ہجده، نزولی را کہ او در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ انجام دادہ بود، تکرار کرد، همان اصلی بود کہ در فصل دہم مکاشفہ بہ تصویر کشیدہ شدہ است. آن دو فرشتہ نمایانگر ظہوری نبوی از مسیح بہ صورت فرشتہ ہستند. اصلی کہ برای جنبش ۱۱ سپتامبر بہ همان اندازہ بنیادی است کہ اصل «یک روز بہ عوض یک سال» برای جنبش ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بود، این است کہ تاریخ میلری در تاریخ صد و چہل و چہار ہزار تکرار می شود.

جب تیسرے افسوس کے متعلق اسلام کی ایک پیشین گوئی کی تکمیل اومیگا اور تیسرے فرشتے کی تاریخ میں واقع ہوئی، اور وہ اسلام کی پہلی اور دوسری افسوس سے متعلق ایک پیشین گوئی کی تکمیل کے ساتھ ہم آہنگ تھی، جو الفا، پہلے اور دوسرے فرشتوں کی تاریخ میں واقع ہوئی تھی—تو یہ اصول کہ میلری تاریخ ایک لاکھ چوالیس ہزار کی تاریخ میں دہرائی جاتی ہے، اسی مضبوطی کے ساتھ ثابت ہوا جس طرح مکاشفہ ۹ کی پہلی اور دوسری افسوس کے سلسلے میں ملر کے "ایک دن برابر ایک سال" کے اصول کا ثبوت قائم ہوا تھا۔ بعض لوگ، جو تین سو اکانوے برس اور پندرہ دن کی اس زمانی پیشین گوئی سے واقف ہوں جو مکاشفہ ۹:۱۵ میں مذکور ہے، ممکن ہے میرے سابقہ نکتے کو نہ سمجھ سکیں۔ مجھے وضاحت کرنے دیں۔

مصیبتِ اول و دوم با تاریخ فرشتهٔ اول و دوم هم‌راستا هستند، و تاریخ مصیبتِ سوم با تاریخ فرشتهٔ سوم هم‌راستا است. مقصود در اینجا آن است که نقطهٔ آغاز سیصد و نود و یک سال و پانزده روز که در تاریخ مصیبتِ دوم بیان شده است، در تاریخ مصیبتِ اول یافت می‌شود. در تاریخ مصیبتِ اول مکاشفه ۹، نبوتی به مدت یکصد و پنجاه سال وجود دارد، و در همان روزی که آن دورهٔ نبوتی پایان می‌یابد، نبوتِ سیصد و نود و یک سال و پانزده روز آغاز می‌شود. این دو نبوت، مصیبتِ اول و دوم را به‌طور مستقیم به یکدیگر پیوند می‌دهند؛ از این‌رو، هنگامی که نبوتی دربارهٔ اسلام، بر اساس اصل یک روز برای یک سال، پیشگویی شد، آن نبوت، نبوتِ مصیبتِ اول و دوم اسلام بود، و این همان پیامی بود که روش‌شناسی و پیام‌میلر را در تاریخ فرشتهٔ اول و دوم تأیید کرد.

وقتی آن تاریخ در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید، شیپور هفتم آغاز به نواخته‌شدن کرد، و شیپور هفتم هم‌وای سوم است و هم‌سر دینداری، که همان مسیح در شما، امید جلال است. آن شیپور، هم‌پیامی هشداردهنده بیرونی است و هم‌پیامی هشداردهنده درونی. از این‌رو، نبوت ۲،۵۲۰ ساله با استراحت سال هفتم برای زمین مرتبط است، که یوبیل را نیز دربر می‌گیرد. در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، شیپور هفتم در تحقق نبوت‌های ۲،۵۲۰ ساله و ۲،۳۰۰ ساله آغاز به نواخته‌شدن کرد.

بلکه در ایام آواز فرشتهٔ هفتم، چون به نواختن آغاز کند، سرّ خدا به انجام خواهد رسید، چنان‌که به بندگان خود، انبیا، اعلام فرموده است. مکاشفه 10:7.

۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ روز کفاره بود، و کرنای یوبیل می‌بایست در روز کفاره نواخته شود. از آن زمان تاکنون، ما در تاریخ فرشتهٔ سوم، و نیز در تاریخ وای سوم، که همان شیپور هفتم است، زندگی می‌کنیم. در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آن فرشته نیرومند مکاشفه ده فرود آمد تا زمین را با جلال خود روشن سازد، چنان‌که فرشتهٔ مکاشفه هجده نیز در 9/11 چنین کرد.

در سال ۲۰۱۲ تا ژانویهٔ ۲۰۱۳، مجموعه‌ای با عنوان «جدول‌های حقوق» تهیه شد، و با انتشار چارت پیشگام ۱۸۴۳ در ماه مه ۱۸۴۲ هم‌راستا بود. سپس بنیان‌های این حرکت نهاده شد؛ خواه حرکتِ آلفای فرشتهٔ اول و دوم بوده باشد، یا حرکتِ فرشتهٔ سوم، دو جدول حقوق در تاریخ و پیام درهم تنیده شده بود. پیشگویی ناکام ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ با ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ موازات داشت، و زمان تأخیر در مثل در جریان بود.

بیابانی به مدت ۱،۲۶۰ روز با گشوده‌شدن مهر ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ به پایان رسید. نیکوست به یاد داشته باشیم که مسیح دو بار معبد خود را از هتک حرمت کفرآمیز آن، چنان‌که خواهر وایت آن را نام‌گذاری می‌کند، پاک ساخت. او این کار را در آغاز و در پایان خدمت خود انجام داد و بدین‌سان آن دو تطهیر را به تطهیری آلفا و امگا بدل ساخت.

خواهر وایت به‌روشنی نخستین تطهیر هیکل را با ۱۱ سپتامبر و با ندای اول منطبق می‌سازد؛ ندایی که او آن را سه آیه نخست مکاشفه هجده معرفی می‌کند. سپس «ندای دیگر» آیه چهارم را به‌عنوان دومین تطهیر هیکل معرفی می‌نماید، و نیز آن را قانون یکشنبه می‌شناساند. ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ نخستین تطهیر هیکل برای میلری‌ها بود و ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ دومین آن. در طی چهل‌وشش سال، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، هیکل میلری برپا شد، و یک فراکتال از برپایی هیکل میلری در تاریخ دو نوبتی یافت می‌شود که هر دو نمایانگر تطهیرهای هیکل‌اند. آن تاریخ دربارهٔ هیکل است.

از ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، باکره‌ها در زمان تأخیر به خواب بودند. هنگامی که بیدار می‌شوند، به مسئولیت خود برای نهادن بنیاد و برپا ساختن هیکل بیدار می‌شوند. از آن زمان، مسیح، به‌عنوان شیر سبط یهودا، نور نبوی را از مهر گشوده است، و نور نبوی‌ای که مهرش گشوده می‌شود، همواره فرایند آزمایشی سه‌مرحله‌ای‌ای پدید می‌آورد که به آزمون نهایی می‌انجامد؛ جایی که در آن سیرت آشکار می‌گردد، اما هرگز پرورش نمی‌یابد. در آزمون نهایی، باکره‌های امین ریش روح‌القدس

را دریافت خواهند کرد که از هر ظهور قدرت خدا در میان قوم خدا که تاکنون ثبت شده است فراتر خواهد رفت. افزایشی در نور خواهد بود که هرگز مشاهده نشده است. با این همه، من خط تاریخی دیگری را ارائه خواهم کرد که توازی تاریخ میلری‌ها را با تاریخ صد و چهل و چهار هزار تأیید می‌کند.

لیکن تو، اے دانی ایل، ان باتوں کو بند کر دے اور کتاب پر مہر لگا دے، یہاں تک کہ آخری وقت آ پہنچے: بہت سے ادھر ادھر دوڑیں گے، اور علم میں اضافہ ہوگا۔ اور اُس نے کہا، اے دانی ایل، اپنی راہ لے: کیونکہ یہ باتیں آخری وقت تک بند اور مہر شدہ رہیں گی۔ بہت سے پاک کیے جائیں گے، اور سفید بنائے جائیں گے، اور آزمائے جائیں گے؛ لیکن شریر شرارت کرتے رہیں گے: اور شریروں میں سے کوئی نہ سمجھے گا؛ لیکن دانا سمجھیں گے۔ دانی ایل 12:4، 9، 10.

ما این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

یکتایی

ایلان ماسک در ۲۱ فوریه ۲۰۲۶ ادعا کرد که «ما اکنون در «تکینگی» هستیم».

تکینگی فناوریانه

تکینگی فناوریانه (که اغلب فقط «تکینگی» نامیده می‌شود) نقطه‌ای فرضی در آینده است که در آن پیشرفت فناوری—که اساساً به وسیله هوش مصنوعی پیش رانده می‌شود—چنان سریع و نیرومند می‌گردد که فراتر از کنترل و فهم انسان شتاب می‌گیرد و به دگرگونی‌هایی ژرف و غیرقابل پیش‌بینی در تمدن بشری می‌انجامد. اندیشه محوری، «انفجار هوش» است: هنگامی که سامانه‌ای از هوش مصنوعی پدید آوریم که از هوشمندترین انسان‌ها نیز هوشمندتر باشد (که غالباً «ابر هوش مصنوعی» یا ASI نامیده می‌شود)، آن سامانه می‌تواند خود را سریع‌تر از هر گروه انسانی که تاکنون ممکن بوده است بازطراحی و بهبود بخشد. این امر حلقه‌ای بازگشتی از خودبهبودی پدید می‌آورد که در آن توانمندی بارها و بارها در بازه‌های زمانی بسیار کوتاه (روزها — ساعت‌ها — دقیقه‌ها) دوچندان می‌شود، به گونه‌ای که تحولات بعدی حالتی انفجاری می‌یابد و برای «انسان‌های پیشاتکینگی» پیش‌بینی یا هدایت معنادار آن ناممکن می‌شود. اصطلاح «تکینگی» از فیزیک و ریاضیات وام گرفته شده است؛ جایی که در «یک سیاه‌چاله»، تکینگی نقطه‌ای است که در آن گرانش بی‌نهایت می‌شود و قوانین کنونی فیزیک ما از کار می‌افتد—ما نمی‌توانیم ببینیم یا پیش‌بینی کنیم که در آن سوی افق رویداد چه رخ می‌دهد.

به همین سان، تکینگی فناوریانه به منزله «افق رویداد» در تاریخ نگریسته می‌شود: ما می‌توانیم روندها را تا آن نقطه پیش‌بینی کنیم، اما فراتر از آن، آینده برای ذهن‌های انسانی تقویت‌نشده تیره و ناروشن می‌گردد.

تاریخچه مختصر و اندیشمندان اصلی

دهه ۱۹۵۰—بذرهای نخستین در آثار ریاضی‌دان جان فون نویمان پدیدار می‌شود (که از شتاب‌گیری دگرگونی فناوریانه سخن گفت) و نیز در کار ریاضی‌دان/رمزنگار آی. جی. گود (که در سال ۱۹۶۵ «انفجار هوش» را توصیف کرد، هنگامی که ماشین‌ها ماشین‌های بهتری را طراحی کنند).

۱۹۹۳—دانشمند علوم رایانه و نویسنده علمی‌تخیلی، ورنور وینج، مفهوم مدرن را در جستار خود با عنوان The Coming Technological Singularity رواج داد. او پیش‌بینی کرد که ما در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۳۰ نوعی هوش فراانسانی پدید خواهیم آورد، و پس از آن «عصر انسان» پایان خواهد یافت (بدین معنا که انسان‌های بی‌یار فناوری دیگر هوش غالب نخواهند بود).

۲۰۰۵—مخترع/آینده‌پژوه ری کورزویل این ایده را با کتاب خود، Singularity Is Near* به کانون توجه عمومی آورد. او استدلال می‌کند که تکینگی در حدود سال ۲۰۴۵ فرامی‌رسد و محرک آن رشد نمایی توان محاسباتی است (در پی «قانون بازده‌های شتاب‌گیر» او)، همراه با نانوفناوری، زیست‌فناوری، و واسطه‌های مغز و رایانه. او پیوسته بر این جدول زمانی پای فشرده و اخیراً نیز AGI در ۲۰۲۹ و تکینگی در حدود ۲۰۴۵ را بار دیگر تأیید کرده است.

پیش‌بینی‌های جدول زمانی (تا اوایل سال ۲۰۲۶)

پیش‌بینی‌ها در چند سال اخیر، به سبب پیشرفت فوق‌العاده سریع در مدل‌های زبانی بزرگ، سامانه‌های استدلالی، و قوانین مقیاس‌پذیری، به طرز محسوسی فشرده‌تر شده‌اند: دیدگاه‌های تهاجمی‌تر / نزدیک‌مدت‌تر (۲۰۲۶-۲۰۲۷): برخی از رهبران برجسته هوش مصنوعی (برای نمونه، داریو آمودئی از Anthropic، ایلان ماسک) به‌طور علنی اظهار داشته‌اند که ابرهوشمندی، یا چیزی که از حیث کارکرد معادل محرک تکینگی باشد، ممکن است به‌زودی در سال ۲۰۲۶ یا ظرف ۱ تا ۳ سال پدید آید.

بررسی‌های کارشناسی میانه همچنان برای آبرفراهوری کامل/تکینگی، عمدتاً پیرامون سال‌های ۲۰۴۰ تا ۲۰۵۰ متمرکزند.

دو اردوگاه از پیامدهای ممکن

- هوانایی‌اشوخ / یره‌شان‌ام‌رآ، رقف و یرام‌ی بندش نک‌اه‌ش‌یر، ن‌ی‌دای‌ن‌ب‌ی‌ن‌اوارف >
شوه اب ن‌اس‌ن‌ا‌ن‌ت‌خ‌ی‌م‌آم‌ه‌رد، یش‌ز‌پ‌ون‌ان‌ای نه‌ذ‌ی‌را‌ذ‌گ‌راب‌ق‌ی‌ر‌ط‌زا‌ی‌ل‌م‌ع‌ی‌ی‌اری‌مان
دن‌چ‌ضرع‌رد‌ین‌دش‌ان‌ال‌ح‌رت‌اش‌پ‌ی‌م‌ل‌ع‌ل‌ئ‌اس‌م‌ل‌ح، (ی‌ی‌ار‌گ‌ات‌یر‌ش‌ب‌ارت‌ی‌ع‌ون‌ص‌م
ه‌ق‌ی‌ق‌د.

پادآرمانی / بدبینانه ← از دست رفتن عاملیت/کنترل انسانی، ناهم‌سویی (هوش مصنوعی اهدافی را دنبال می‌کند که نسبت به ارزش‌های انسانی بی‌ارتباط یا با آن‌ها خصمانه است)، فروپاشی اقتصادی و اجتماعی، یا حتی مخاطرات وجودی برای بشریت.

تکینگی صرفاً «هوش مصنوعی بسیار پیشرفته» نیست، بلکه لحظه‌ای است که در آن تکامل فناورانه از قیدوبندهای زیستی/سرعتی انسانی می‌گریزد و به فرایندی خودمختار و مهارنشدنی تبدیل می‌شود. خواه این امر در سال ۲۰۲۶، ۲۰۳۰، ۲۰۴۵ رخ دهد، یا هرگز رخ ندهد، همچنان یکی از سرنوشت‌سازترین پرسش‌های گشوده در تاریخ بشر در زمان حاضر باقی می‌ماند.

زمان آخر — 1989

دنیا به‌بم‌پیوند آغاز می‌شود

گذار از رایانش منفرد به رایانش متصل. تیم برنرز-لی در سرن (1989) شبکه جهان‌گستر را پیشنهاد می‌کند. پژوهش تجاری شبکه‌های عصبی گسترش می‌یابد (کاربرد نظامی + دانشگاهی)، Intel 80486 عرضه می‌شود—توان رایانش شخصی جهشی چشمگیر می‌یابد، و آرپانت به سوی آنچه بعدها اینترنت مدرن می‌شود گذار می‌کند. پیش از این، رایانش نیرومند بود، اما عمدتاً در ساختارهای جدا و منزوی محصور می‌ماند. پس از 1989، رایانش ماهیتی شبکه‌محور می‌یابد. شبکه‌های عصبی در 1989 هنوز در مراحل آغازین بودند، از حیث سخت‌افزار با محدودیت روبه‌رو بودند، و عمدتاً سامانه‌های الگو-محور تقویت‌شده با قواعد به شمار می‌رفتند—اما ارتش و آزمایشگاه‌های پژوهشی از پیش در حال آزمودن سامانه‌های یادگیرنده برای هدف‌گیری، هدایت، و طبقه‌بندی سیگنال بودند.

این لایه بنیانی همه آن چیزی بود که بعداً پدید آمد.

پیام، به صورت رسمی تنظیم شده - ۱۹۹۶

انفجار تجارت اینترنتی

وب همگانی، تجاری و جهانی می‌شود. نت اسکپی و جنگ‌های مرورگر، و آمازون و ای بی که کارآمدی تجارت برخط را ثابت می‌کنند. گوگل تأسیس می‌شود (با نام BackRub در استنفورد، 1996)، و پذیرش Windows 95 شتاب رایانش مصرف‌کننده را افزایش می‌دهد. 1996 زمانی است که اینترنت از حالت دانشگاهی خارج می‌شود و اقتصادی می‌گردد. زیرساخت 1989 اکنون به مقیاس مصرف‌کننده می‌رسد. عصر دات‌کام درباره وب سایت‌ها نیست—بلکه درباره دیجیتالی‌سازی کسب‌وکار است. این دوره تجارت، تبلیغات، کشف اطلاعات و الگوهای ارتباطی را دگرگون کرد.

پیامی توان‌بخش — ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

د موبایل + پلی‌ت‌فارم دور پیل‌پری

رسانه‌ها دیجیتالی می‌شوند + زیرساخت‌های نخستین رایانش ابری + پهن‌بند دائماً متصل. اپل آی‌پاد را عرضه می‌کند (آغاز اکوسیستم دیجیتال قابل‌حمل)، ویکی‌پدیا راه‌اندازی می‌شود (الگوی پلتفرم دانش جمعی)، پذیرش پهن‌بند جهش می‌یابد، آمازون بی‌سروصدا ساختن آنچه بعدها به AWS بدل می‌شود را آغاز می‌کند. پس از ۱۱ سپتامبر، فناوری نظارت با شتابی عظیم پیش می‌رود و زیرساخت تحلیل داده به سرعت رشد می‌کند. آغاز رایانش ابری، اکوسیستم‌های پلتفرمی، سلطه محتوای دیجیتال، زیرساخت همواره متصل، و شالوده رسانه‌های اجتماعی و گوشی‌های هوشمند در اینجا نهاده می‌شود.

ای‌بن و دل شوی بنس‌ت - د حقوق لوحی - ۲۰۱۲، ۲۰۱۳

پیشرفت عمیق در یادگیری

تولد هوش مصنوعی مدرن

این همان لحظه سرنوشت‌ساز بود که در آن شبکه‌های عصبی از مرحله آزمایشی عبور کردند و به ابزارهایی با قدرت عملی بدل شدند—دقیقاً همان پل میان عصر «پلتفرم/رایانش ابری» در سال 2001 و انفجار «هوش مصنوعی مولد» در سال 2023. سپتامبر 2012: الکسنت (یک شبکه عصبی کانولوشنی عمیق) با اختلافی عظیم در رقابت ImageNet پیروز می‌شود—و همه الگوریتم‌های پیشین را درهم می‌شکند. این رویداد واحد در پژوهش‌های هوش مصنوعی به‌طور همگانی به‌عنوان همان لحظه‌ای شناخته می‌شود که یادگیری عمیق مدرن زاده شد. 2012: تیم جفری هینتون ثابت می‌کند که شبکه‌های عصبی عمیق، هنگامی که بر روی GPUها آموزش داده شوند، می‌توانند ویژگی‌های سلسله‌مراتبی را به‌صورت خودکار بیاموزند. 2013: گوگل شرکت هینتون (DNNresearch) را خریداری می‌کند. صنعت ناگهان میلیاردها دلار به سوی یادگیری عمیق سرازیر می‌سازد. پیشرفت‌های GPU شرکت NVIDIA (CUDA) به سخت‌افزار استاندارد برای هوش مصنوعی تبدیل می‌شود. ابزارهای کلان‌داده نیز هم‌زمان با این روند به بلوغ می‌رسند (1.0 در سال 2013 منتشر شد) و مجموعه داده‌های عظیم مورد نیاز برای یادگیری عمیق را امکان‌پذیر می‌سازند.

کهلونا - 2023

هوش مصنوعی مولد از آستانه عبور می‌کند

هوش مصنوعی در دسترس، قابل استفاده و از نظر اقتصادی برهم‌زننده می‌شود؛ نه صرفاً «شبکه‌های عصبی بهتر». این همان لحظه‌ای است که هوش مصنوعی گد می‌نویسد، تصویر تولید می‌کند، کارهای دفتری و اداری را خودکار می‌سازد، وظایف استدلالی را در مقیاس گسترش می‌دهد، و برای نخستین بار، از حالت تخصصی بودن باز می‌ایستد و به ابزاری شناختی با کاربرد عمومی بدل می‌شود.

۲۰۲۶ – یگانگی؟

- ۱۹۸۹ به مثابه گشوده شدن خود زمان آخر (اتصال شبکه‌ای آغاز می‌شود، بنیانی برای جریان جهانی دانش؛ مرتبط با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان نشانه راه برای آخرین دوره آزمایشی ادونتیسیم).
 - ۱۹۹۶ به عنوان رسمیت یافتن این پیام (وب تجاری مقیاس اقتصاد اطلاعات را گسترش می‌دهد و تجارت و اکتشاف را دیجیتالی می‌کند).
 - ۲۰۰۱ به عنوان توانمندسازی پیام (بسترها، ابر، و دسترسی همواره فعال، زیست بوم دیجیتال را برای دانش جمعی و سیار پایه گذاری می‌کنند).
 - ۲۰۱۳/۲۰۱۲ به منزله گذاشتن شالوده برای هوش حقیقی (پیشرفت یادگیری عمیق، فهم ماشینی را عملی و مقیاس پذیر می‌سازد).
 - ۲۰۲۳ به منزله اوج گشوده شدن مهرها (هوش مصنوعی مولد به قلمرو شناخت عمومی منظوره گام می‌نهد و آفرینش دانش و استدلال را دسترس پذیر و دگرگون ساز می‌گرداند).
- رپ روط یم کارت رپ ے ل ح ر م ے ق ب ا س ے ن پ ا ے ل ح ر م ر ے ے غ ی ل ب ت ی ا ھ ن ت ف ر ش ی پ ھ ی - ط ب ر روا ، ے ے ا ت و ے ر ا و ت س ا - ی ر ا ک ی ت ر ا ج ت - > م ا ط ن ی ت ا ی ل و ح ا م - > ت ن ا ھ ذ > ی ک ک ا ر د ا > ے ے ا ت و ے ل ق ت ن م ب ن ا ج
- 2012/2013 نقطه عطف سرنوشت ساز است؛ لحظه‌ای که شبکه‌های عصبی توانایی یادگیری سلسله‌مراتبی و خودکار را به اثبات رساندند (پیروزی AlexNet/ImageNet، تأیید شدن کار Hinton، و امکان پذیر شدن مقیاس پذیری GPU)، و همین امر انفجار مولد سال 2023 را اجتناب ناپذیر ساخت. بدون آن تغییر معماری در 2012، مدل‌های ترنسفورمر (2017) و مقیاس پذیری عظیم نمی‌توانستند به عام‌بودگی در سطح ChatGPT بینجامند.